

شماره‌ی ۲۸
یکشنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۶



گمان

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی

نگاهی به مستندهای
«مادران» و «دوراهی»



وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ
حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

و آنان را که آیات
ما را دروغ انگاشتند،
از راهی که خود
نمی‌دانند به تدریج
خوارشان می‌سازیم.

قرآن کریم، سوره الأعراف
آیه ۱۸۲



کمان

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی

شماره‌ی ۲۸، یکشنبه، ۲۷ آذرماه ۱۳۹۶



نویسندگان:

رحیم ناظریان | مهدی اسدزاده | سهیل محمودی

همکاران:

مطهره کشاورز | اکرم سادات فاطمی | مهدی مجد | زکریا زرگانی
یاسر صدرنژاد | محمد حسین شفیق

عکاس:

سهراب خان زاده

مدیر هنری:

علیرضا بخشی

با سپاس از دبیرخانه‌ی جشنواره مستند
و کارکنان محترم خانه مستند انقلاب اسلامی

نشانی:

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک ساعی، جنب بیمارستان
مهرگان بن بست مهرگان، پلاک ۳
تلفن: ۸۸۷۸۳۶۴۵ ۸۸۷۸۳۶۵۰، کد پستی: ۱۵۱۶۷۳۵۶۱۴
خواننده‌ی گرامی، تمام شماره‌های نشریه‌ی کمان را می‌توانید از
سایت زیر دریافت کنید
www.khanemostanad.ir

خانه مستند
انقلاب اسلامی





علی شهابی | کارگردان

نویسنده: مهدی اسدزاده

جنگ که شروع شد، تو خوزستان خیلی چیزها نابود شد. نخلستان‌ها،
خونه‌ها، پالایشگاه‌ها، مدرسه‌ها... علی شهابی ویران شدن همه این
چیزها رو به چشم می‌دید. اما یه چیز بود که هیچ بمب و خمپاره‌ای
نمی‌تونست ویرانش کنه. یه چیز بود که مثل کوه محکم ایستاده بود.
اون هیچ وقت ویران شدن مادرش رو به چشم ندید. مادرش استوار
ایستاده بود. پناه و آرامش بچه‌های کوچکش بود و نمی‌گذاشت تلخی
و بی‌رحمی جنگ، دنیای شیرین بچه‌هاش رو ویران کنه.
تمام این سال‌ها علی شهابی و علی شهابی‌ها به مادرهایی که ایستادن
رو به فرزندهاشون یاد داده بودن، بدهکار بودن. به مادرهایی که تو
شهرهای جنگ‌زده موندن و برای تمام رزمنده‌ها مادری می‌کردن.
حالا . سی سال بعد از اون روزها . جبران بخشی از این دین بزرگ،
کوچک‌ترین کاریه که بچه‌های جنگ می‌تونن انجام بدن... .



مادری در دل جنگ

به گزارش روابط عمومی جشنواره تلویزیونی مستند، علی شهابی کارگردان مستند «مادرانه» گفت: «مادرانه» مستندی اجتماعی با موضوع دفاع مقدس است. این فیلم به بخشی از مادران جامعه می‌پردازد که الان در جنوب ایران در کنار ما زندگی می‌کنند. این مستند در پاسداشت مقام مادران جنوب تولید شده است. با توجه جایگاهی که زنان جنوبی در سال‌های جنگ داشته‌اند همیشه دغدغه داشتیم که فیلمی با موضوع مادران جنوب بسازم.



علی شهابی

نویسنده:

سپهر محمودی



وی افزود: این که این زنان فرزندانی را تربیت کرده‌اند که در طول هشت سال دفاع مقدس از کشور دفاع کردند و در زمان جنگ با تمام سختی‌ها در کنار خانواده خود ایستادگی کردند، نقش و جایگاه ویژه‌ای به این زنان و مادران بخشیده است. هرچند که نمی‌شود مقام مادر را در یک مستند تعریف کرد، اما تمام تلاش گروه ما بر این بود که ادای دینی به مقام مادران داشته باشیم.

شهابی در توضیح قصه مستند «مادرانه» گفت: این مستند، ترکیبی از مصاحبه و گفتار متن است. گفت و گوها با زنانی انجام می‌شود که در طول سال‌ها از شهرهای مختلف ایران به آبادان مهاجرت کرده‌اند و حالا در کنار هم شهر را ساخته‌اند، از آن دفاع کرده‌اند و در آن زندگی می‌کنند. این مستند در اصل، روایت مقاومت مادران ایرانی است.

مستند «مادرانه» به کارگردانی علی شهابی با پذیرفته شدن در فصل سوم جشنواره تلویزیونی مستند در تاریخ بیست و پنجم آذرماه ساعت ۲۰ در قالب برنامه تلویزیونی جشنواره مستند روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت.



پوستر فیلم مستند
«مادرانه»



کلی اما کوتاه درباره مادران

تحلیل مستند مادرانه
نویسنده: رحیم ناظریان



نه تنها مستند، بلکه تمام شاخه‌های هنری به سمت جزئی‌نگری پیش می‌روند. پرداختن به موضوعاتی که محدوده محتوایی گسترده‌ای دارند با نگاهی کلی‌گرایانه، حتی امروز در پژوهش‌های علمی نیز قابل اعتنا نیست. البته گستره موضوع در این حالت به گستره زمانی اثر نیز مربوط است و در صورتی که شما برای مثال با زمانی طولانی مواجهید، به یقین تمامی جنبه‌های موضوع در آن توسط نویسنده بررسی و لایه‌های متعددی از موضوع کالبد شکافی خواهد شد؛ اما بی‌شک اثری کوتاه، مجالی برای تمام این ماجراجویی‌ها نیست.

مستند «مادرانه» موضوعی به شدت کلی دارد و در قبال همین موضوع کلی

نیز به شدت دچار پراکنده‌گویی شده است. مادرانه با ادعای پرداختن به دنیای بزرگ مادران در میان نویس آغازینش تلاش دارد تا به موضوعاتی مرتبط با مادر و یا احساس مادرانه بپردازد. در متن آغازین مستند آمده است: «این فیلم، روزنه‌ای است برای نگاه انداختن به دنیای بزرگ مادران بزرگوار این مرز پرگهر»

اول این که عنوان مادر و موضوعی با این گستردگی به نظر دارای چنان پیچیدگی‌های محتوایی و معنایی است که احتمالاً نه در مستندی کوتاه بلکه در فیلم‌هایی متعدد نیز قابل بررسی نیست. دوم این که این متن آغازین، اشاره بر مادران ایران دارد و اصطلاح مرز پرگهر تاکید را نه بر یک



مفهوم مادر بودن، مادر شدن و احساس پاک مادرانه می‌پردازد. این خود نمونه‌ای از همان پراکندگی یا تشتت موضوع است که بدان پرداختیم.

مستند «مادرانه» از نریشن، مصاحبه، آرشیو، تایتل و تصاویری مشاهده‌گر، برای بیان مضمون خود بهره می‌برد. گفتگو با مادران مسن، دلنگی‌هایشان در قبال فرزندان، رنج فقر و مشکلات زندگی، خاطرات قدیمی و شرایط زندگی در گذشته و احساس مادرانه، مواردی است که در ابتدای اثر از زبان چند زن بیان می‌شود. در این بخش از فیلم، مستندساز به حریم خصوصی

منطقه خاص بلکه گستره‌ای عظیم‌تر نهاده است. بنابراین این نوشته آغازین از دو منظر در مستند، قابل نقد است. یکی کلی‌گویی در موضوع در قیاس با مدت زمان اندک اثر و دیگری تأکید بر تمامی مادران، در حالی که در طول زمان روایی مستند، بیشتر توجه کارگردان به مادران جغرافیایی خاص، به نام آبادان است. حالا اگر متن آغازین را فراموش کنیم، در محتوای نریشن نمی‌توانیم این کلی‌گویی و تناقض را نادیده بگیریم. مستند در بخش مصاحبه‌ها و گفتگوهایش کاملاً بر مادران آبادانی اشاره دارد اما در نریشن به صورت کلی بر

این زنان در مصاحبه ورود می‌کند و رازهای شخصی‌شان را برملا می‌نماید، اما ناگاه نریشن، اثر را وارد فاز جدید می‌کند. مصاحبه‌هایی که درباره رنج‌های مادرانه است، ناگاه در نریشن به کلی‌گویی‌هایی در قبالِ مادر و مادر بودن تغییر می‌یابد. گفتار متن درباره زیبایی‌های فرزند دار شدن یک زن و محتوای این گفتار به شکلی روان‌کاوانه درباره روحيات زنان پس از مادر شدن است.

این پریشانی در پرداخت مضامین، یکی از دلایلی می‌تواند همان کلی و جهان‌شمول بودنِ موضوع باشد. موضوع در مستند «مادرانه» آن چنان کلی است که انگار مستندساز در مدت بیست دقیقه نمی‌داند به کدام سویه آن بپردازد.

هنوز رویکرد مصاحبه زنان و نریشن متفاوت آن در اثرا جان‌نیفتاده است که فیلم وارد فاز دیگری می‌شود. ناگهان تصاویری از یک شهر و معرفی آن، آبادان! و اینجاست که مفهوم مادر و مادر بودن اختصاصاً به آبادان مربوط می‌شود و در ادامه مادران شهید و یا مادران مسنِ

امروز که روزگاری بلایا و مصائب جنگ هشت ساله را نیز تجربه کرده‌اند، به شرح رنج آن روزگار می‌پردازند. تصور این که چنین مستندی می‌توانست تنها با تکیه بر مفهوم انتظار مادران، این نقد مربوط به پریشانی موضوع را از خود دور کند، خیلی دور از ذهن و باور نیست؛ یا به طور مثال اگر تنها موضوع، کمی جزئی‌تر می‌شد و فقط بر انتظارِ جانکاه یک مادر تأیید می‌کرد که سال‌هاست منتظر فرزند مفقود الاثرش است، زنی که در همان چند پلان کوتاه بسیار تأثیرگذار می‌نماید. پراکندگی موضوعی به همین جا ختم نمی‌شود. در بخش پایانی، مستندساز نقبی نیز بر آمار و ارقام تعداد والدین شهدا، که در قید حیات هستند می‌زند و در مورد بیمه و مواردی از این دست، نکاتی را مطرح می‌کند.

مستند «مادرانه» به طور کامل هم از نظر فرم و هم از نظر محتوا، گرچه دارای موضوعی احساسی و قابل ستایش است؛ اما در پرداخت آن دچار پراکنده‌گویی است. نقدی که بی‌شک با اعمال ایجاز می‌توانست به چشم نیاید.

تصور این که چنین مستندی می‌توانست تنها با تکیه بر مفهوم انتظار مادران، این نقد مربوط به پریشانی موضوع را از خود دور کند، خیلی دور از ذهن و باور نیست؛ یا به طور مثال اگر تنها موضوع، کمی جزئی‌تر می‌شد و فقط بر انتظارِ جانکاه یک مادر تأیید می‌کرد که سال‌هاست منتظر فرزند مفقود الاثرش است، زنی که در همان چند پلان کوتاه بسیار تأثیرگذار می‌نماید.



پدر بزرگش بیماری قند داشت. باید چشمش رو عمل می‌کردن. پدر بزرگ رفت بیمارستان و اشتباه پزشکی باعث شد کبدش و کلیه‌هاش از کار بیفتن. دو سال تموم روی تخت، زمین‌گیر بود و زجر می‌کشید. اما اون چیزی که سال‌ها ذهن مریم سالاری رو اشغال کرده بود، تمام این ماجراها نبود. بیش‌تر از هر چیزی به روزی فکر می‌کرد که دکتر توصیه کرد بود پدر بزرگ رو دیالیز نکنن. گفت پدر بزرگ نهایتاً دو ماه زنده است و این دیالیز، کمکی به بیشتر زنده موندنش نمی‌کنه. ازشون خواسته بود که پیرمرد رو با دیالیزهای سخت پشت سر هم آزار ندن. خاطره همین روز، سال‌های سال، مریم سالاری رو گرفتار کرده بود. آیا می‌شه درمان کسی رو که امیدی به بهبودیش نیست قطع کرد؟ آیا وظیفه داریم این کار رو انجام بدیم؟ و این سوال، جدی‌تر از اون بود که جواب‌هاش رو با ما در میون نگذاره.

دوراهی

تهیه کننده: مریم سالاری شریف و زهرا محسن زاده
کارگردان: زهرا محسن زاده

بودن یا نبودن، مساله این است

به گزارش روابط عمومی جشنواره تلویزیونی مستند، مریم سالاری تهیه کننده مستند «دوراهی» درباره این مستند گفت: من در سوئیس با پدیده‌ای آشنا شدم به نام اتانازی که به معنای مرگ با ترحم است، یعنی بیمارانی که از نظر پزشکی در یک شرایط حاد هستند و امیدی برای بهبود آن‌ها نیست به ارگان‌هایی مراجعه می‌کردند تا با رضایت شخصی، آن‌ها را بکشند. اتانازی در سوئیس، هلند و برخی ایالت‌های آمریکا قانونی شده است.



مریم سالاری

نویسنده:

سهیل محمودی



سالاری در ادامه اضافه کرد: در ایران برای بیمارانی که در شرایط پایان زندگی قرار می‌گیرند قانون خاصی وجود ندارد و فقط درمان سخت ادامه پیدا می‌کند. من به عنوان یک ایرانی مسلمان با پدیده اتانازی مخالفم و در مستند هم همین‌گونه برخورد شده است؛ اما حرف ما در مستند «دوراهی» این است که باید یک راه میانه‌ای برای بیمارانی که دیگر امیدوی به بهبود آن‌ها نیست، پیدا شود. وی افزود: در این فیلم دو نفر با عقاید

مختلف در کنار هم قرار می‌گیرند که یکی می‌خواهد درمان را ادامه بدهد و یکی می‌خواهد که درمان را متوقف کند. این دو بیمار و شرایطشان و همراهانشان، راویان این مستند هستند.

مستند «دوراهی» به تهیه کنندگی مریم سالاری و کارگردانی زهرا محسن‌زاده با پذیرفته شدن در فصل سوم جشنواره تلویزیونی مستند، شنبه ۲۵ آذرماه ساعت ۲۰ به روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت.



پوستر فیلم مستند
«دوراهی»



امید به مرگ!

تحلیل مستند دوراهی

نویسنده: رحیم ناظریان



مورد استفاده امری زیباشناسانه قرار گرفته است. مرگ به غایت، پدیده‌ای فلسفی است! به مفهوم «پایان» که اساساً مفهومی فلسفی است، ارتباط دارد. یگانه امری که در حال حاضر می‌توان آن را امری قطعی در آینده متصور شد، مرگ است. با این حال سوژه مرگ، آداب خاص خود را می‌طلبد. آنچه در قبال چنین سوژه‌ای از اهمیت

پرداختن به سوژه مرگ، چالش‌ها و جذابیت‌های خاص خود را دارد و کم نیستند آثار هنری که درباره مرگ بودند و یا از این موضوع در بیان هنری‌شان استفاده کردند. پایان روایتی که با مرگ همراه است، همچون پایانی محتوم برای زیستن می‌ماند و مرگ به عنوان مفهومی تراژیک در هنر همواره به اشکال مختلف،

بالایی برخوردار است، یکی نوع نگاه بر آن و دوم ایجاد و یا تسلط بر فضای اثر است. «دوراهی» مستندی کوتاه درباره برخی از بیماران خاص است که علم پزشکی، قلم قرمز بر روی زندگی‌شان کشیده و امید بهبودی‌شان را به طور کامل غیرممکن می‌داند. مستند با تکنیک مشاهده و توصیف به دل ماجرامی زند و به صورت زنده، ماجرای در حال وقوع را شکار می‌کند. با خانواده بیماران خاص و سرطانی که بیمارانشان با وجود ناامیدی از درمان، همچنان رنج جسمی و روحی را تجربه می‌کنند، گفتگومی کند. اما زاویه دید مستند ساز در قبال موضوعی در باب بیماری‌های لاعلاج همچون سرطان تا حدودی متفاوت است. نمی‌توان مستند دوراهی را اثری نوآورانه در فرم قلمداد کرد، اما می‌توان این خصیصه را در آن دید که از منظر موضوع با نمونه‌های مشابه تفاوت دارد. به عبارتی مستندهایی که با موضوع سرطان و بیماران مبتلا به آن تولید می‌شود در نگاه اول درباره امید به زندگی و راه و روش این بیماران برای پیروزی بر بیماری هستند، اما اینجا در «دوراهی» در همان آغاز فیلم ما با زاویه‌ای متفاوت از منظر

موضوع و درون‌مایه مواجهیم.

فیلم درباره یک دوراهی سخت بین مرگ و زندگی است و این که بیماران خاص، که علاجشان به طور کامل توسط علم و خاصه علم پزشکی نفی شده است، آیاراهی برای قطع درمان و انتخاب مرگ دارند؟

موضوع مرگ خودخواسته، مدت‌هاست بحثی طولانی را در جامعه جهانی ایجاد کرده و موافقان و مخالفانش هر کدام ادله خود را برای چنین موضوعی مطرح می‌کنند. اما مستند «دوراهی» چیزی شبیه مرگ خودخواسته است و نه خود آن. چرا که در این مستند نه خود بیماران خاص بلکه قوم و خویش و یا پرستاران آن‌ها هستند که بعضاً مرگ را برای عزیزان خود بهترین راه حل ممکن می‌دانند. به عبارتی در این مستند که موضوع آن باید‌ها و نبایدهای مرگ خودخواسته‌ی بیماران خاص است، هیچ‌گاه از خود بیماران این موضوع پرسش نمی‌شود و فقط اطرافیان آن‌ها هستند که دلایل قبول یا رد این عمل را شرح می‌دهند. اما فیلم بر روی موضوع اصلی‌اش تمرکز دارد و در تمام اثر فارغ

موضوع مرگ

خودخواسته،

مدت‌هاست بحثی

طولانی را در جامعه

جهانی ایجاد کرده و

موافقان و مخالفانش

هر کدام ادله خود را

برای چنین موضوعی

مطرح می‌کنند.



اثری قابل قبول و حساب شده دانست. مستندساز همچون آثار مشابه در این موضوع که به جای مفهوم کلیشه شده امید به زندگی، به مرگ خودخواسته پرداختند، برای پوشش همه زوایا دست به تحقیق درباره آن می‌زند. دیدار و گفتگو با چند پزشک، یک حقوقدان، روحانی و خانواده بیمار، از جهات مختلف بر موضوع مرگ خودخواسته و بیماران خاص می‌پردازد.

در این میان پزشکان از منظر علمی و پزشکی، مرگ را برای این بیماران حتمی می‌دانند و درمان را تنها طولانی‌تر کردن پروسه مرگ قلمداد می‌کنند. به نظر این طیف، مرگ و قطع درمان با رضایت خانواده، می‌تواند از رنج بیهوده آنان

از حاشیه پردازی، تنها به همین مسئله می‌پردازد. رنج بیماران خاص، رنج اطرافیان آن‌ها، هزینه‌های هنگفت درمان و دارو، تحت تأثیر قرار گرفتن کل خانواده بیمار از شرایط او و ...

در خلال شرح رنج چنین آدم‌هایی، مستندساز دوربین به دست در بیمارستان و محل زندگی بیماران حضور دارد و تصاویر آشفته و قاب‌های تصادفی دال بر زنده بودن اثر است. بنابراین می‌توان از منظر زاویه دید و نوع نگاه مستندساز به موضوع، از نظر شکل و تکنیک تولید و حضور دوربین در زمان زنده رویداد، اتکاب بر تصویرونه مصاحبه‌ای صرف، به حاشیه زدن و حرکت در مسیر محتوایی سوژه و مواردی دیگر از منظر تدوین و ... دوراهی را

بکا هد. اما یک حقوقدان نیز نظر خاصی حقوقی خود را در قبال موضوع دارد و همین طور یک روحانی که از نظر فقهی به آن می‌پردازد. از نظر مخالفان، مرگ خودخواسته به هیچ عنوان از نظر حقوقی و مذهبی شایسته نخواهد بود.

مستندساز در گفتگو با خانواده این بیماران، نظرهایی متفاوت مبنی بر تأیید مرگ خودخواسته و یا نفی آن را نیز در مستند ارائه می‌کند تا دو جهت متفاوت آرای آنان را نیز بیان کرده باشد. بنابراین او همچون عنوان مستند، کاملاً تأکید را بر سردرگمی آدم‌هایی می‌گذارد که بر یک دوراهی کاملاً نامشخص گیر افتاده‌اند و انتخاب هر کدام از آن دوره، چالش‌ها و رنج‌های خاص خود را دارد. در این میان تکنیک دوربین روی دست، به خوبی از نظر شکلی، در کنار محتوای اثر خود را نشان داده است. دوربینی که ناخودآگاه این سردرگمی و آشفتگی را نشان مخاطب می‌دهد. تکنیک دوربین روی دست، شاید به دلیل شرایط سوژه، از الزامات ابزاری کار بوده باشد، اما نهایتاً در تحلیل اثر، این محصول نهایی است که مورد واکاوی قرار می‌گیرد نه الزامات آن.

بنابراین مستند «دوراهی» در هماهنگی بخشی از فضایش با محتوا موفق بوده، اما در ورود به فضایی احساسی و ترحم‌برانگیز به شدت بی‌راهه رفته است. در نیمه پایانی فیلم، ناخودآگاه فضایی احساسی و غمبار کل اثر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گریه‌های مداوم اطرافیان بیمار که حس ترحم را ایجاد می‌کند، دائم نشان داده می‌شود؛ موسیقی متن و موسیقی تیتراژ کاملاً فضای احساسی را تشدید می‌کند و نهایتاً نمایش قبر یک بیمار سرطانی و گریه‌های یکی از اطرافیان، کل فضای اثر را معطوف چنین رویه ترحم‌برانگیزی می‌نماید. آنچه کاملاً مشهود است، عدم تطابق شکل و محتوا در چنین لحظاتی از فیلم است. به عبارتی مستندی که درباره خشونت مرگ و خشونت بیماری‌های لاعلاج است و موضوع محوری آن نیز انتخاب یکی از دو عنوان مرگ یا زندگی است، چگونه می‌تواند این چنین ترحم‌برانگیز باشد؟ یا این که تصمیم درباره کشتن بیماران خاص که علم از آن‌ها قطع امید کرده، نمی‌تواند با وجود پتانسیل بالایی خشونت‌ش، توسط یک هنرمند تا این میزان، احساسی روایت شود.

جشنواره تلویزیونی مستند

Documentaries

The First TV Festival of The
Mostanad TV Holds

روایت حقیقت در قلاب واقعیت
شبکه مستند برگزار می کند

فصل سوم نخستین جشنواره مستند

روزهای زوج | ساعت ۲۰ از شبکه مستند

بازپخش ساعت ۹:۳۰ روز بعد

برای شرکت در مسابقه پیامکی
کد فیلم «مادرانه» D9
کد فیلم «دوراهی» E1



جشنواره مستند

شما می توانید بعد از تماشای هر قسمت امتیاز خود را از یک تا پنج ستاره از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۰۸۱ با زدن کد فیلم به همراه عدد ستاره مورد نظر ارسال نمایید. ضمناً می توانید از طریق کانال اطلاع رسانی جشنواره به آدرس @festmostanad و یا وبسایت جشنواره به آدرس www.festmostanad.ir در این نظر سنجی شرکت کنید.